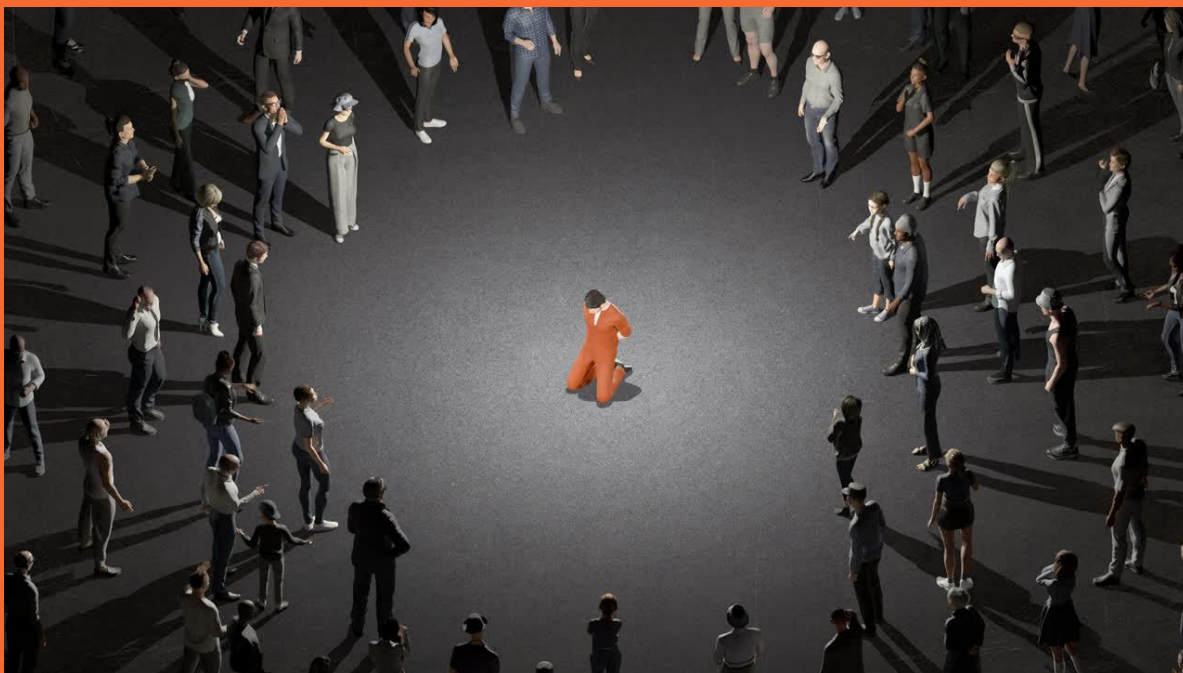




Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان اسلامیة فی ایران



[اعتبارسنجی نقش] افکار عمومی [در توجیه] مجازات اعدام

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

پاییز ۱۴۰۴

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در سطح جهانی طی چند دهه اخیر تغییر نگرشهای جدی در حوزه مجازات ها و واکنش های کیفری صورت گرفته است. این تغییر نگرشها خود را در قوانین و مقررات و در رویه های قضایی و عملکرد اجرایی حکومتها و نوع نگاه مردم نمایان ساخته اند به گونه ای که امروزه « انسانی تر کردن مجازات ها » و مقوله هایی چون عدالت ترمیمی، تدابیر جایگزین، نقش آفرینی نهادهای غیر حکومتی در سیاست جنایی، نه تنها راهبردهایی نامانوس تلقی نمیشوند، بلکه باعث شده که حتی در رویکرد کشورها نسبت به سخت ترین مجازاتها (به ویژه سلب حیات) شاهد برخی تغییرات مهم باشیم. اگر روزی قابل تصور نبود مجرمی که مرتکب انواع جنایات شده و افکار عمومی را به شدت جریحه دار ساخته، با مجازاتی به جز اعدام روبرو شود، امروزه کم نیستند جوامعی که با صراحت این مهم را در قوانین خود گنجانده و بر این باورند که نه تنها جرم و جنایت با سایر مجازات ها (غیر از اعدام) کاهش پیدا کرده بلکه دستاوردهای مثبت دیگری نیز برای آنها در پی داشته است. در مقابل، البته نگرشهای مدافع مجازات های شدید و لزوم اجرای سلب حیات برای مرتکبین جرایم حاد نیز بیکار ننشسته و توجیهات مختلف برای استمرار راه و روش خود ارائه می کنند. از جمله استدلال های ذیربط، استناد به پشتوانه افکار عمومی و انتظارات مردمی است، بدین معنا که از سوی حکمرانان گفته میشود: مردم از ما انتظار دارند که برای فلان جرم، مجازت اعدام در نظر گرفته شود یا مردم موافق نیستند که مجازات اعدام برای فلان جرایم کنار گذاشته شود. همین استدلال باعث شده تا تحرکات معطوف به افکار عمومی چه در سطح مطالعات نظری و چه در سطح پویشهای مدنی گسترش یابد. مطالعات نظری در صدد هستند تا روندهای مربوط به نوع نگاه افکار عمومی نسبت به مجازات ها را شناسایی کرده و ضمن تحلیل عوامل اثرگذار بر آنها، پیامدهای مختلف را تشریح نمایند و توصیه هایی منطبق با اهداف مطالعاتی خود ارائه کنند. پویشهای مدنی نیز حسب اینکه به چه دیدگاهی باور داشته باشند، سعی می کنند تا حامیان به دیدگاه خود را در عامه مردم گسترش دهند و بدین طریق به نتایج مورد نظر نائل آیند. پویشهای مدنی که مخالف اعدام یا برخی از مجازات های دیگر هستند همواره تلاش می کنند تا نقاط منفی این مجازاتها را برای قاطبه مردم توضیح دهند و از مردم بخواهند که برای تحول مورد نظر، مطالبه گری کرده و حکمرانان را برای اقدام لازم تحت فشار گذارند. نقطه مقابل نیز می تواند از سوی افراد و پویش های مدنی موافق حفظ برخی مجازات ها از جمله اعدام صورت گیرد که تلاش می نمایند استمرار راه گذشته را تقویت کنند و اجازه ندهند که حاکمیت، تحولی در سیاست های خود معمول دارد.

رابطه افکار عمومی با تصمیم گیریه‌ای حاکمیت در موضوعات مختلف از جمله جرایم و مجازات‌ها منوط به نوع ساختار سیاسی و حکمرانی جوامع فرق می‌کند. جوامعی که اراده مردم در حکمرانی نمود جدی و واقعی داشته باشد طبیعتاً اثرپذیری حاکمیت از نگرش افکار عمومی و مردم را بازتاب میدهند و بر عکس آن، در جوامعی که اقتدارگرایی بر ساختار سیاسی حاکم است، اثرگذاری خواست و اراده مردم بر راهبردهای حکمرانی، حداقلی است. در این جوامع حتی روشهای معتبر استخراج نظر افکار عمومی نیز محدود و با موانع متنوعی روبرو است چرا که امکان نظر سنجی‌های مستقل و معتبر چندان وجود ندارد، همه پرس‌های قانونی در موضوعات مختلف برای سنجش نظر مردم امکان اجرا ندارد یا بسیار با محدودیت روبروست و انتخابات عمومی و منصفانه نیز مفقود یا از مفهوم واقعی تهی است، جامعه مدنی قوی و نماینده گروههای مختلف مردم نیز در حوزه عمومی وجود ندارد یا به شدت ضعیف و نحیف است.

از زاویه‌ای دیگر، رابطه افکار عمومی و نظام حکمرانی، رابطه‌ای دو جانبه و اثرگذار از هر دو طرف تلقی میشود بدین معنا که هم حکومت و نهادهای عمومی می‌توانند با تصمیمات و سیاست‌ها و عملکردهای خود باور و نگاهی خاص را در جامعه ترویج دهند و هم جامعه و افکار عمومی می‌تواند با طرح نظرات و مطالبه‌گری‌های خود بر حکومتگران اثرگذار و رویکرد حکومت را در سیاستگذاری و نوع اداره کشور تغییر دهد.

به هر حال، با لحاظ نکات یاد شده، در سالهای اخیر مطالعه افکار عمومی جوامع مختلف در خصوص جرایم و مجازات‌ها مورد توجه طیف گسترده‌ای از محققان قرار گرفته و نهادهای مدنی نیز به این حوزه ورود جدی‌تری پیدا کرده‌اند. مخالفان اعدام البته تحرک بسیار برجسته‌تری در این حوزه به نسبت مدافعان اعدام دارند. مخالفان اعدام وقتی با جامعه‌ای روبرو شوند که اکثریت، مدافع اعدام هستند، جدای از تبیین برخی عوامل اثرگذار بر نگاه جامعه مزبور که نیازمند اصلاح است، بعضاً پیشنهادات غیر دموکراتیکی را نیز مطرح می‌کنند از جمله اینکه حکومت ولو بر خلاف نظر مردم رویکردها را تغییر دهد تا نگرش جامعه نیز تغییر پیدا کند. البته برخی افراد و گروههای مخالف اعدام نیز اینگونه نمی‌گویند بلکه این پیشنهاد را مطرح میکنند که این آزادی در هر جامعه فراهم باشد تا مدافعان و مخالفان در موضوعات متنوع اداره جامعه از جمله جرایم و مجازات‌ها و مقوله اعدام امکان ارائه استدلال‌های خود را پیدا کنند، سپس اجازه داده شود تا جامعه دیدگاه درست‌تر را انتخاب کند و در نهایت، حکمرانان مبتنی بر نظر اکثریت جامعه و از طریق حاکمیت قانون عادلانه، خط مشی و نوع حرکت خود را مشخص سازند.

نوشتار کوتاه حاضر، یکی از صدها نوشتاری است که موضوع استناد به نقش افکار عمومی در توجیه مجازات اعدام را مورد نقد و بررسی قرار داده است. سازمان غیردولتی انتشار دهنده این نوشتار^۱ چون در زمره فعالان پویش مدنی علیه اعدام است طبیعتاً سعی کرده تا استناد دولتها و جوامع مدافع اعدام را مورد انتقاد قرار دهد. بدون هر گونه داوری در خصوص نظرات مطرح شده، صرفاً به جهت اطلاع از این بحثها و تأمل جدی تر در خصوص وضعیت سیاست جنایی در کشور خودمان و برخی بازنگری های ضروری، برگردان متن از زبان انگلیسی به فارسی انجام پذیرفت. امید است مطالعه آن برای مخاطبان مختلف فارسی زبان از جمله سیاست گذاران مفید واقع شود. ضمناً در موضوع افکار عمومی و اعدام، متون دیگری نیز به فارسی برگردان شده که به تدریج منتشر خواهد شد.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
آذرماه ۱۴۰۴

◆ نویسنده: سازمان غیر دولتی پروژه مجازات اعدام

◆ متصدی روند برگردان انگلیسی به فارسی: امیراحسان بی غم دانش پژوه رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی و همیار کمیسیون / ویرایش و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، آذرماه ۱۴۰۴

◆ مأخذ: سایت The Death Penalty Project

◆ شناسه متن: ۰۴/۳/۳۰۴

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مأخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

^۱ . پروژه مجازات اعدام (The Death Penalty Project) در سامانه اطلاع رسانی خویش این نهاد را یک سازمان غیردولتی حقوقی معرفی کرده که دارای وضعیت مشورتی ویژه در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد می باشد. این سازمان اعلام کرده که به افراد مواجه با مجازات اعدام در سراسر جهان، با تمرکز بر کشورهای مشترک المنافع، به صورت رایگان و کالت ارائه می کند و اغلب گزارشات خود را با حمایت اتحادیه اروپا یا برخی کشورهای آن مانند سوئیس و انگلیس تدوین و منتشر کرده است.

متن مقاله:

استناد به «خواست مردم» در برابر روند لغو جهانی مجازات اعدام

زمانی که از کشورهای دارای مجازات اعدام خواسته می‌شود به اکثریت کشورهای جهان که این مجازات را لغو کرده‌اند بپیوندند، یکی از مهم‌ترین توجیهاتی که معمولاً [از سوی آنها] مطرح می‌شود این است که: «ملت هنوز آماده لغو نیست و رهبران باید نماینده اراده مردم باشند».

اما چنین استدلالی پیچیدگی افکار عمومی در این حوزه را نادیده می‌گیرد؛ از جمله این واقعیت را که اندازه‌گیری دقیق افکار عمومی دشوار است. افزون‌بر این، هرچند افکار عمومی درباره مجازات اعدام نباید کاملاً نادیده گرفته شود، پژوهش‌ها نشان داده است که این افکار می‌توانند تحت تأثیر برداشت‌های اشتباه درباره شیوه اجرای این مجازات و میزان بازدارندگی و اثربخشی آن قرار گیرند.

پژوهش‌ها فرضیه‌ها را به چالش می‌کشند

پژوهش‌های تجربی و دقیق که افکار عمومی را موشکافانه مورد بررسی قرار می‌دهند، می‌توانند محدودیت‌های ادعاهای کشورهای نگه‌دارنده مجازات اعدام را درباره حمایت عمومی از مجازات اعدام برملا سازند. با پرسشنامه‌ای فراتر از سؤال دو گزینه‌ای اینکه آیا پاسخ‌دهندگان از مجازات اعدام حمایت می‌کنند یا مخالف آن هستند، دیدگاه‌هایی بسیار ظریف‌تر و چندوجهی پدیدار می‌شود.

ادعاهایی که از حمایت گسترده عمومی از مجازات سلب حیات سخن می‌گویند، می‌توانند میزان واقعی علاقه و توجه عمومی به این مسئله را به‌طور قابل‌توجهی بیش [از حد دقیق خود] برآورد کنند. یک نظرسنجی با ۴۵۰۰ نفر شرکت‌کننده که در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ در چین انجام شد، نشان داد که تنها ۳٪ پاسخ‌دهندگان «بسیار علاقه‌مند» به مسئله مجازات اعدام بوده‌اند و در مجموع فقط یک‌چهارم پاسخ‌دهندگان اساساً نسبت به آن علاقه‌مند بوده‌اند.

تحقیقی در مالزی در سال ۲۰۱۲ نشان داد که تنها ۸٪ از پاسخ‌دهندگان «بسیار علاقه‌مند یا نگران» بوده‌اند، در حالی که ۳۶٪ «چندان علاقه‌مند نبوده یا اصلاً نگران نبودند». به‌طور مشابه، در نظرسنجی‌ای در آکرا (غنا) در سال ۲۰۱۵ (جایی که مجازات اعدام برای قتل الزامی است) تنها ۹٪ از پاسخ‌دهندگان «بسیار علاقه‌مند» به این موضوع بودند.

ارائه اطلاعات درباره محکومیت‌های نادرست؛ [عاملی موثر در اصلاح نگرش مردمی]

هرجا که حمایت از مجازات اعدام وجود دارد، این حمایت ظاهراً مشروط به این باور است که اجرای مجازات عاری از خطا است. اما این باور با وجود نتایج مکرر مبنی بر اعدام افراد بی‌گناه و نیز محکومیت‌های اشتباه در تمامی حوزه‌های قضایی که مجازات اعدام را حفظ کرده‌اند (از جمله در کشورهایی که بالاترین سطح تضمین‌های دادرسی را دارند) به‌طور جدی تضعیف شده است.

[نقش] شرایط بافتاری و ساختاری در پاسخ دهی [مردم راجع به مجازات اعدام]

کمبود علاقه و توجه عمومی [به لزوم بازنگری مجازات اعدام] در کشورهای طرفدار حفظ اعدام [معمولاً] همراه با فقدان قابل توجه دانش درباره مجازات اعدام است، به‌ویژه درباره اینکه این مجازات چگونه اجرا می‌شود و برای چه جرایمی اعمال می‌گردد.

تحقیقات انجام‌شده در اندونزی در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۹ نشان داد که تنها ۲٪ از پاسخ‌دهندگان عمومی خود را «بسیار آگاه» از این موضوع می‌دانستند.

وقتی پژوهشگران در تایوان در سال ۲۰۱۴ چهار سؤال واقع‌بینانه درباره مجازات اعدام را به شرکت‌کنندگان ارائه دادند، تنها چهار نفر از بیش از ۲۰۰۰ نفر به همه سؤالات پاسخ درست دادند. بیش از نیمی (۵۵٪) به هیچ‌یک از سؤالات پاسخ درست ندادند.

در ترینیداد و توباگو، که نرخ قتل در آن بسیار بالا است، اگرچه شرکت‌کنندگان در نظرسنجی ۲۰۱۱ سطح قابل‌توجهی از علاقه به مجازات اعدام را نشان دادند، اما این علاقه مبتنی بر دانش فراوانی نبود؛ تنها ۱۷٪ اظهار کردند که «بسیار آگاه یا اطلاعات زیادی دارند»، در حالی که تقریباً نیمی (۴۷٪) اذعان کردند که «کم یا هیچ‌چیز نمی‌دانند».

این یافته‌ها نشان می‌دهد که افکار عمومی در کشورهای نگه‌دارنده مجازات اعدام پایدار و استوار نیست؛ نه مبتنی بر سطح بالایی از تعامل با موضوع است و نه بر آگاهی گسترده از خود مجازات و نحوه اجرای آن.

[این واقعیت در خصوص] مجازات اعدام، از جمله در مواردی است که سخت‌گیرانه‌ترین تضمین‌های دادرسی رعایت و اعمال می‌شود.

وقتی از مردم چین پرسیده شد که آیا اگر «به‌طور قانع‌کننده برایشان ثابت شود که گاهی افراد بی‌گناه اعدام شده‌اند» همچنان از حفظ اعدام حمایت می‌کنند، حمایت از مجازات اعدام از سطح اولیه ۵۸٪ به تنها ۲۵٪ کاهش یافت.

وقتی همین سؤال مشابه در کشورهای دیگر مطرح شد، به‌ویژه در مورد قتل، حمایت در ترینیداد و توباگو از ۹ نفر از هر ۱۰ نفر در ابتدا، به تنها یک‌سوم کاهش یافت، در حالی که در سنگاپور از ۹ نفر از هر ۱۰ نفر در ابتدا به ۴ نفر از هر ۱۰ نفر رسید.

[لزوم] ارائه اطلاعات درباره ناکارآمدی بازدارندگی [مجازات اعدام]

یکی دیگر از پیش‌فرض‌های اساسی که از حمایت از مجازات اعدام پشتیبانی می‌کند، این است که احکام اعدام و اجرای آن اثر بازدارنده‌ای بر جرم دارند. ارائه شواهد پژوهشی تجربی که این باور را به‌چالش می‌کشد (و این در همه کشورهایی که چنین تحقیقی انجام شده است، مشاهده شده) موجب کاهش حمایت از مجازات اعدام می‌شود. در اندونزی، ۳۸٪ از آن دسته از پاسخ‌دهندگان که ابتدا از مجازات اعدام حمایت کرده بودند، اظهار داشتند که اگر ثابت شود مجازات اعدام در بازدارندگی از جرم هیچ برتری‌ای نسبت به حبس بلندمدت ندارد، آنها در عوض از لغو آن حمایت خواهند کرد.

در سنگاپور، جایی که ۹۲٪ از پاسخ‌دهندگان در ابتدا طرفدار تداوم مجازات اعدام بودند، هنگامی که از آنان پرسیده شد که آیا در صورتی که ثابت شود این مجازات در بازدارندگی از قتل اثربخش‌تر از حبس ابد یا حبس طولانی‌مدت نیست، باز هم از آن حمایت می‌کنند یا خیر، این میزان به‌طور چشمگیری به ۵۷٪ کاهش یافت.

حمایت از مجازات اعدام در وضعیت انتزاعی [و نه مصادیق واقعی]

پشتیبانی [مردمی] از مجازات اعدام هنگامی که به صورت انتزاعی [سناریوهایی] مطرح می‌شود، ضرورتاً پایدار نمی‌ماند؛ [فلذا] زمانی که از مردم خواسته شود پرونده‌های واقعی و شرایط [موجود برای اعمال] تخفیف [مجازات در مورد] مرتکب [جرم] را در نظر بگیرند، نرخ‌های حمایت از مجازات اعدام به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. به‌عنوان مثال، در تایوان، در حالی که ۸۵٪ از پاسخ‌دهندگان ابتدا مخالف لغو مجازات اعدام بودند، اما وقتی از آنان نظر درباره مصداقی پرسیده شد که در آن یک مرد جوان بیکار به‌خاطر قتل صاحب‌خانه در جریان یک سرقت محکوم شده است، تنها حدود یک‌سوم از شرکت‌کنندگان از صدور حکم اعدام حمایت کردند.

به چالش کشیدن حمایت از اعدام با مطرح کردن مجازات‌های جایگزین

نظرسنجی‌های عمیق‌تر می‌توانند در فهم و درک دیدگاه پاسخ‌دهندگان در خصوص اثرگذاری مجازات اعدام نسبت به مجازات‌های سخت و شدید جایگزین کمک کنند.

در چین، هنگامی که از پاسخ‌دهندگان خواسته شد گزینه جایگزین «حبس ابد با آزادی مشروط» را در نظر بگیرند؛ نرخ حمایت از مجازات اعدام از ۵۸٪ به ۳۸٪ کاهش یافت و این رقم هنگامی که «حبس ابد بدون امکان آزادی مشروط» مطرح شد، بیش‌تر کاهش یافت و به ۲۹٪ رسید.

نظرسنجی‌های مختلف در حوزه‌های قضایی گوناگون نشان داده‌اند که علی‌رغم حمایت اولیه از مجازات اعدام، هنگامی که از مردم درباره مؤثرترین اقدامات برای کاهش جرم سؤال می‌شود، آنها سیاست‌های عدالت اجتماعی را مؤثرتر از «اجرای بیشتر اعدام‌ها» می‌دانند. تقریباً همه (۹۲٪) پاسخ‌دهندگان در یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۷ در زیمبابوه عقیده داشتند که سیاست‌های اجتماعی در کاهش جرایم خشونت‌بار از «بیشتر کردن اعدام‌ها» مؤثرتر است. در سناریویی که یک زن پس از تحمل سال‌ها سوءرفتار (آزار)، همسرش را عمداً به قتل رسانده بود، [وقتی از مردم در این خصوص سؤال شد] حمایت از مجازات اعدام در برخی کشورها به طرز چشم‌گیری اُفت کرد: در ترینیداد و توباگو حمایت از ۸۹٪ به صورت انتزاعی به تنها ۱۰٪ در آن سناریوی واقعی کاهش یافت؛ و در مالزی حمایت از ۹۱٪ به ۱۴٪ کاهش یافت.

پرسش‌های دیگری نیز بررسی حمایت از اعمال اجباری حکم اعدام را در سطح انتزاعی و در عمل در ارتباط با سناریوهای واقع‌گرایانه سنجیده‌اند. در مالزی، جایی که ۵۶٪ از پاسخ‌دهندگان از مجازات اعمال اجباری اعدام حمایت می‌کردند، وقتی سه سناریوی واقعی به آن‌ها ارائه شد، تنها ۱۴٪ با اعمال مجازات اعدام در هر سه مورد موافق بودند.

فاصله بین دیدگاه اولیه پاسخ‌دهندگان و دیدگاه آن‌ها در مواجهه با موارد واقعی، اهمیت حیاتی پرسشگری جامع را نشان می‌دهد که می‌تواند نتایج به کلی متفاوتی نسبت به پرسش‌های ساده و انتزاعی به دست دهد.

شواهد نشان‌دهنده آمادگی برای پذیرش لغو مجازات اعدام

مهم است که بدانیم اظهار حمایت از تداوم مجازات اعدام لزوماً به معنای مخالفت سرسختانه افراد با لغو آن نیست. پژوهشی که در ژاپن در سال ۲۰۱۴ انجام شد، نشان داد که در میان کسانی که از تداوم مجازات اعدام حمایت می‌کردند، ۷۱٪ اعلام کردند در صورتی که لغو به عنوان سیاست دولتی اتخاذ شود، آن را خواهند پذیرفت. پژوهش‌ها حاکی از آن است که یکی از محرک‌های کلیدی حمایت عمومی از مجازات اعدام در کشورهای نگه‌دارنده آن، ممکن است فرآیند اجتماعی‌شدن باشد؛ شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه حمایت به‌طور چشم‌گیری در سال‌های پس از لغو سقوط می‌کند، زیرا نسل‌های جدید در شرایطی رشد می‌کنند که این مجازات وجود ندارد.

برای نمونه، در آلمان غربی، در زمان لغو مجازات اعدام در سال ۱۹۴۹، ۷۴٪ مردم از تداوم آن حمایت می‌کردند، در حالی که تا سال ۱۹۸۰ این رقم به‌طور قابل‌توجهی به تنها ۲۶٪ کاهش یافت. به‌نظر می‌رسد نسل‌های نوتر احتمالاً مجازات اعدام را به عنوان یک بازمانده بربریت (میراث وحشیانه گذشته) تلقی خواهند کرد، همان‌طور که امروزه جهان به حق برده‌داری را چنین می‌پندارد.

اراده سیاسی و رهبری

در مواردی که لغو اعدام اتفاق افتاده است، معمولاً این روند توسط رهبران سیاسی و قضایی هدایت شده است، نه اینکه از تقاضای عموم مردم نشأت گرفته باشد. با این وجود، به نظر می‌رسد که مردم از رهبران مقید به اصول پیروی خواهند کرد.

بنابراین راه رسیدن به لغو اعدام نیازمند انتظار برای تغییرات بنیانی در افکار عمومی نبوده، بلکه توسط رهبری سیاسی - حتی در مواجهه با مخالفت عمومی - ترسیم شده است و مردم اغلب در پی آن همراهی کرده و در زمان مناسب موضع خود را به سمت تأیید لغو تغییر داده‌اند.

وقتی دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۵ مجازات اعدام را لغو کرد، این کار را در حالی انجام داد که اذعان داشت اکثریت مردم آفریقای جنوبی همچنان معتقد بودند که در «موارد شدید قتل» باید مجازات اعدام باقی بماند. دادگاه بر ناسازگاری تداوم مجازات اعدام با فرهنگ حقوق بشری تأکید کرد که: «... از حقوق اقلیت‌ها و دیگرانی که قادر به حمایت مناسب از حقوق خود از طریق فرایند دموکراتیک نیستند، حفاظت خواهد کرد.»

[سخن پایانی]

از منظر حقوق بشر، توجیهات مبتنی بر [وجود] حمایت [افکار] عمومی در حفظ مجازات اعدام با ضرورت تضمین حفاظت از حقوق همه افراد قابل جمع نیست. چنین حفاظتی نباید مشروط و وابسته به احساسات [و هیجانات] اکثریت باشد.